

نایداری از شه موزه رضاعباسی،  
آبگینه و هنرهای معاصر

# موزه‌ها، باگنجینه‌هایی جاودانه از آثار هنرمندان

گزارش ارزش - شمس - کمالیه



● نگاهی به نقشه تهران که محل بیش از ۱۵ موزه در آن مشخص شده است می تواند دلگرمی همه آنانی را که به نقش موزه به عنوان محلی برای تبادل فرهنگی ارجح می گذارند موجب شود ولی اگر به تالارهای خالی از جمعیت این موزه ها بنگریم ولختی درآستانه آنها به انتظار بازدید کنندگانی که ندرتاً پایه درون می گذارند بایستیم برمهجورماندن این بناهای ساده که در درون خود اشیایی غریب و پرازرمز و راز را به نمایش گذاشته اند، بیشتر واقف می شویم.

کمی تعداد بازدیدکننده از موزه ها، منحصر به ایران نیست، بابرخی استثنائات از جمله در مورد جنجالهای هنری، اگر جهانگردانی را که مایلند در بازگشت به کشورشان توشه ای از سوغاتی های ذهنی برای گفتن داشته باشند، یا شاگردان مدرسه هایی را که در اوقات از قبل تعیین شده به عنوان یک گردش ساده به این بازدیدها آورده می شوند را از فهرست بازدیدکنندگان موزه های تقریباً اکثر شهرهای دنیا حذف کنیم، آنچه به جامی ماند مطمئناً آنچه آن نیست که بتوان به عنوان یک رقم قابل توجه عنوان نمود.

این امر شاید به نظری که اکثر مردم از سربمی اعتنایی از موزه ها به عنوان محلی برای نگهداری مقداری اشیاء عتیقه و قدیمی دارند معطوف شود عمومی بودن این تصور دلیلی برای درست بودن آن نیز نیست یک موزه که آثار به نمایش گذاشته شده در آن یک توالی منطقی را در برداشته باشد می تواند بیش از هر وسیله دیگر به انسانهایی که در یک دوره و زمان مشخص زندگی می کنند دید و بینشی از نحوه زندگی، طرز تفکر، اعتقادات و آداب و سلوک آنها بیسی که در دوره هایی بیشتر از ما زندگی می کرده اند را بدهد و با باگردآوری مجموعه ای از فرایندهای فعالیتهای ذهنی مردم که در موقعیتهای جغرافیایی دیگری زندگی می کنند وسیله مؤثری برای تبادل فرهنگی و آشنایی با مردم

نواحی دیگر این جهان پهناور بشود.

اگر خلایقیت هنری را به عنوان یک نیاز طبیعی بشر به حساب آوریم، نقش موزه به عنوان محل جمع آوری و عرضه این خلایقیت ها و در نتیجه تبادل افکار هنرمند غایب و تماشاگر حاضر روشن تر می شود. در اینجا هنرمند باتیزبینی و ظرافت طبع و باشیوه هنری مخصوص دوره و زمان خود، مسایل زندگی روزمره اش را برای بررسی و تفکر در مقابل ماقراری دهد.

اهمیت تاریخی و هنری اشیاء واقع شده در موزه ها را گاه می توان هم از همدیگر قرارداد. یک قاشق یا چنگال فلزی که از عهد ساسانیان برجامانده و اکنون در موزه رضاعباسی به نمایش گذاشته شده در عین آنکه ما را مفتون ظرافت و زیبایی نقوش خود می کند، حتی ممکن است دیدها را از شیوه زندگی که در آن زمان جریان داشته عوض کند و یا - در همان موزه رضاعباسی - نشانه هایی که پیشینیان برای مظاهر مختلف زندگی تولیدی و فرهنگی خود انتخاب می کرده اند، اهمیت هریک از پدیده های جاری در زندگی آنها را برای ما روشن می سازد.

در این شماره فصلنامه هنر، گردش کوتاه در سه موزه رضاعباسی، آنگینه و هنرهای معاصر خواهیم داشت.

در این گردش اگر چه سعی خواهد شد تا آن حد که در این مختصر می گنجد نمایی از آنچه در این سه مجموعه به نمایش گذاشته شده است به دست داده شود ولی نادیده نباید گرفت که مسوولیت معرفی موزه ها و جلب علاقه مردم به بازدید از آنها بیش از همه به عهده آن گروه از رسانه هایی است که با افشار وسیع و توده انبوهی از شنوندگان و بینندگان روبرو هستند، موزه هایی توانمند با در اختیار گذاشتن نشریات ویژه خود، دایر کردن کلاسهای آموزشی و ارائه خدمات مناسب از سوی کسانی که به عنوان راهنما در موزه فعالیت می کنند در برانگیختن علاقه مردم، نقش مؤثری ایفا نمایند.

## موزه رضاعباسی

ساختمان سه طبقه موزه رضا عباسی واقع در خیابان دکتر شریعتی، جایگاه یکی از زیباترین و نفیس‌ترین مجموعه‌های هنری ادوار پیشین تامقطع ۵۰ سال پیش از این است.

این مجموعه که به سه تالار: دوره پیش از اسلام، دوره اسلامی، و نگارگری و خوشنویسی تقسیم شده است، افزوده برگنجینه‌ای از آثار دوره‌های پیش از تاریخ و دوره‌های تاریخی، سیری در هنر مینیاتور و خوشنویسی ایران را نیز به بیننده عرضه می‌کند.

در تالار دوره پیش از اسلام موزه رضاعباسی به مجموعه نسبتاً کاملی از تکامل هنر و فرهنگ که به اشکال گوناگون متجلی شده است برمی‌خوریم تا آنجا که در حین بازدید از موزه، می‌توان دوره‌ای از تاریخ هنر را مرور کرد.

نخستین آثار هنری انسانها، از حدود ۲۰ هزار سال پیش به جامانده از همتان دوران دارای ظرافت و استحکامی است که از پیشرفت تدریجی میلیون‌ها سال حکایت می‌کند. این آثار اکثراً تصاویری از جانداران که بر سطح دیوارهای سنگی غارها نقاشی یا پیکرتراشی شده‌اند را نشان می‌دهد.

پس از آن، آثار بجامانده از سفالگری و فلزکاری را به عنوان مهم‌ترین و رایج‌ترین وسایل بیان هنری، پیش روی خواهیم داشت، این آثار معمولاً در ابعاد کوچک و به منظور استفاده نیازهای روزمره زندگی به اشکال مختلف از قبیل ظروف، سلاحها، دهانه اسبها، ابزار تولیدی، اشیای زینتی و غیره ساخته شده‌اند. موزه رضاعباسی با مجموعه‌ای از عجایب انگیزی از این آثار هنری که در تار و پود زندگی تنیده شده‌اند و با اعتقادات و اندیشه‌های مذهبی و ملی مردم سازنده آن پیوند نزدیک داشته‌اند آشنا می‌شویم.

در آثار به نمایش گذاشته شده، که بسیاری از آنها از مجموعه‌های خصوصی و یا موزه‌های خارج از کشور جمع‌آوری شده است، می‌بینیم که هنرمند چگونه در طرح

و تزئین اشیاء از طبیعت و محیط زندگی خود الهام می‌گرفته و با دمیدن اندیشه‌های خود در کالبد آنها به این اشیاء روحی داده است که با آنکه نقش خاکی که از آن برون آمده و برجدارهای آن نقش بسته از عمر طولانی آنها خبر می‌دهد، ولی هنوز در بیننده احساسی از طراوت و تازگی رازنده می‌کند.

استفاده از فرم حیوانات، بخصوص بزکوهی، قوچ، پرندگان و سایر حیوانات و گاهی انسان که اصطلاحاً «شیوه نقوش جانوری»، خوانده می‌شود انسان که از مجموعه دوران پیش از اسلام موزه رضاعباسی برمی‌آید بسیار رایج بوده است. این طرح‌های طبیعی معمولاً به روش انتزاعی و بسیار ساده شده و تخیلی و گهگاه با فرم‌های هندسی همراه می‌شدند.

«بت مفرغین لرستان» (عکس شماره ۱) از سده‌های هفتم و هشتم قبل از میلاد، دو بزکوهی را سوار بر یک پایه بلند نشان می‌دهد. مهارت شگرف سازنده آن در استفاده از خصوصیات فیزیکی این جانوران تیز پا و نشانه دادن جهشی که معمولاً با حرکت بزکوهی توأم است توجه بیننده را جلب می‌کند، حجم‌های هندسی تزئینی - همراه با خطوط ترکیبی که مشخص کننده حرکت روبه بالا است تبحر سازندگان آنها را به نمایش می‌گذارد.

نمونه جالب دیگری در این زمینه «ظرف گلین سیلک» (عکس شماره ۲) متعلق به سده‌های نهم و هشتم قبل از میلاد است. خطوط و حجم ساده فرم اصلی، توجه بیننده را به تزئینات و نقوش هندسی مرکب از مثلث و مربع و لوزی با تقسیم بندی‌های مرتب آن معطوف می‌کند این نقش‌ها، بازوایای تند و خطوط مقطع تضاد زیبایی را با انحنای اصلی فرم ظرف به وجود می‌آورند.

با کمی بیشتر رفتن و ورود به تالارهایی از موزه رضاعباسی که آثار «دوره تاریخی» را به نمایش گذاشته متوجه تغییر عنصر عقیدتی هنرمی‌شویم. هنر که تا این زمان کار بردی مشابه، برای همه اقشار مردم داشته و همگان از آن سودی فراخور حال خود می‌برده‌اند، روی خود را از زندگی عمومی برمی‌تابد و صفوف طویل هدیه دهندگان در پای پلکان تخت جمشید را به عنوان

تجسمی از قدرت و شوکت شاه تصویر می کند.  
 در آثار هنری به نمایش گذاشته شده از این دوره که  
 با هخامنشیان آغاز می شود به نمونه هایی از کارهای  
 هنری که با استفاده از فلزات گرانبها، جواهرات  
 و کنده کاری های ظریف ایجاد شده است برمی خوریم  
 و از آنجا که این نوع هنر جز با حمایت شاه و دربار  
 نمی توانست پایدار بماند به رغم توسعه بسیاری که  
 در رشته هایی چون سنگ تراشی، فلز کاری، سفالگری،  
 شیشه گری و پارچه بافی یافته بود با اضمحلال  
 هخامنشیان نیز دچار رکود شد.

در آثار این دوره همچنین شاهد شروع کوششی جهت  
 واقع گرایی سرنالیزم-هستیتم که با حمله اسکندر و تسلط  
 یونانیان و رواج فرهنگ و هنر آنان در زمان اشکانیان به  
 اوج پیشرفت خود رسید.

مجسمه سنگ آهک اشکانی، که از سده دوم  
 میلادی بجا مانده و در موزه رضاعیاسی حفاظت می شود،  
 نمونه پیشرفت بارزی در این جهت است. با آنکه هنوز  
 تناسب انسانی در حد طبیعی رعایت نشده هنرمند آگاهی  
 خود را از آناتومی [پیکره شناسی] انسان در حالتی  
 ایستاده و متکی بر یک پا با گردش صحیح سر و دستها  
 به خوبی نشان داده است.

نطفه جوامع صنعتی در ایران و روم، در همین زمان  
 بسته شد و از این دوره، کارگاههای صنعتی تولید ظروف  
 سفالین و اسلحه و اشیاء شیشه ای و چرمی و تولیدات  
 نساجی روبه گسترش می گذارد.

تجلیات هنر ساسانی، بدون شک دنباله سنت هنری  
 عهد اشکانیان است. در نقوش برجسته های این دوره،  
 عموماً تأثیر هنر رومی مشاهده می شود، ولی عناصر  
 اصلی که در دنباله سنت هنری هخامنشیان و اشکانیان  
 است اصالت هنر این دوره را تأکید می کند. فلز کاری  
 و کنده کاری روی فلز و نقوش مطلا از هنرهای  
 پیشرفته زمان ساسانیان است که در قرون سوم و چهارم  
 میلادی کامل گشته و پس از آن غالباً تکرار همان  
 کارهای سابق است. (عکس شماره ۳)



(۱)



وعلوم انسانی و مطالعات اسلامی  
پرنال جامع علوم و معارف اسلامی



(۲)

## تالار هنر اسلامی موزه رضاعباسی

قرار گرفته باشند می نمایند.

به رغم تنوع سنتهای هنری مختلف که در به وجود آوردن هنر اسلامی با توجه به گسترش قلمرو اسلام- از خاور نزدیک تا آفریقای شمالی- موثر بوده اند، عناصر مشترکی در هنر این دوره وجود دارد که آنها را از دیگران مشخص می کند.

ژرژ مارسه- از خاورشناسان و خبرگان هنرهای اسلامی- در مقدمه کتاب خود درباره هنر اسلامی خواننده را دعوت به آزمایش جالبی می کند. او می نویسد اگر مجموعه مختلفی از عکسهای مجسمه های یونانی، نقاشیهای سلزی، مینیاتورهای چینی، نیم برجسته های هندی و غیره را پیش رو بگذاریم و در میان آنها به آثاری چون تصویر یک قطعه گچ بری متعلق به کاخ الحمراء و سپس صفحه ای از یک قرآن تذهیب شده مصری و آنگاه به یک ظرف مسسین قلمزده کارایران بر بخوریم، میان این سه اثر وجوه

آثار هنری پس از اسلام که پیش از این تالاری مخصوص به خود داشت به تازگی به علت به نمایش گذاشته شدن اشیاء مسروقه باز پس گرفته شده در تالارهای دیگر پراکنده شده است.

اشیاء مسروقه موزه رضاعباسی که با کوشش مأموران انتظامی پس از مدتها تلاش باز پس گرفته شده بیشتر از میان آن دسته از اشیاء که از فلزات گرانبها و با جواهرات مزین بود انتخاب شده بودند. سارقان در برگزیدن آثاری که زودتر بتوان آنها را به پول نزدیک نمود، ذوق هنری بکار برده بودند.

با وجود پراکنده شدن آثار هنری پس از اسلام در چند تالار دیگر موزه رضاعباسی، خصوصیت وحدت گرای این آثار چشم نواز آنها را به خوبی در هر گوشه که



مشترکی می‌یابیم که آنها را به هم مربوط می‌سازد که ناشی از دمیده شدن روح اسلام در قالب این آثار هنری متفاوت است.

هنرشناسان جهان این وجوه مشترک را ناشی از توجه هنرمندان مسلمان به حکمت اسلامی و ذکر «الله» به عنوان مبداء یگانه‌ای که آفریدگار جهان است تبیین و تفسیر می‌کنند.

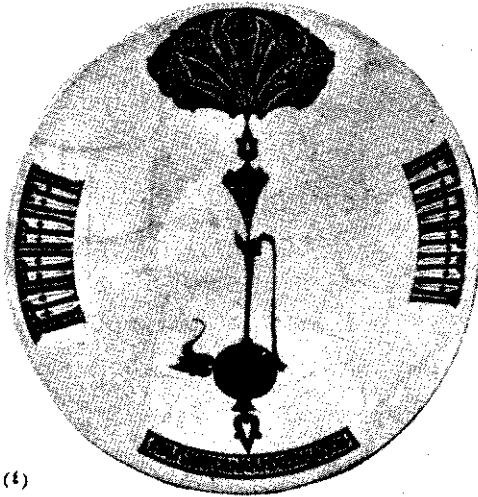
همین بینش، هنرمندان مسلمان را در این دوره‌ها به سوی نقوشی که در آنها سرمشق طبیعی اولیه معمولاً ناپیدا و ناشناخته می‌نماید، سوق داده است. نقش‌های تزئینی اسلیمی یا ختایی و پیچک و گره و نظائر آنها که تار و پود بیشتر آثار هنر اسلامی را بنیاد گذاشته، از این گونه‌اند که با توجه خاص به حکمت اسلامی هر یک «وحدت در کثرت» و «کثرت در وحدت» را به نمایش می‌گذارند.

کاسه سفالین بالعاب شفاف و نوشته کوفی تزئینی (عکس ۴) نمونه زیبایی از آمیخته شدن حکمت و صنعت در هنر اسلامی، مکتب نیشابور است. خط کوفی که در ابتدا بدون تزئینات به کار می‌رفت روز به روز آرایش بیشتری یافت و پاترئینات بیشتری توأم شد، در این کاسه عناصر تزئینی چنان به کار گرفته شده که بانوشته‌های کوفی هماهنگی کامل دارد.

در این دوره‌ها به موازات سفالسازی، فلزکاری نیز اهمیت پیدا کرد.

جمبه برنجی قلمزنی و حکاکی شده با فلز کوبی نقره، متعلق به قرن هشتم هجری (عکس ۵) مشخصه سبکی است که در شمال غربی ایران در دوره ایلخانیان رونق گرفت.

هجوم مغول در اوایل قرن هفتم هجری منجر به ویرانی شهرها و مراکز اسلامی شد و برای مدتی فعالیت هنری و معماری متوقف شد ولی به تدریج حکمرانان مغول تحت تأثیر فرهنگ و هنر عمیق و تکامل یافته‌ای که با آن مواجه بودند به پذیرش دین اسلام و به تشویق و ترویج هنرهای اسلامی پرداختند. از هنرمندان این دوره در رشته‌های معماری، نقاشی، سفالسازی، فلزکاری



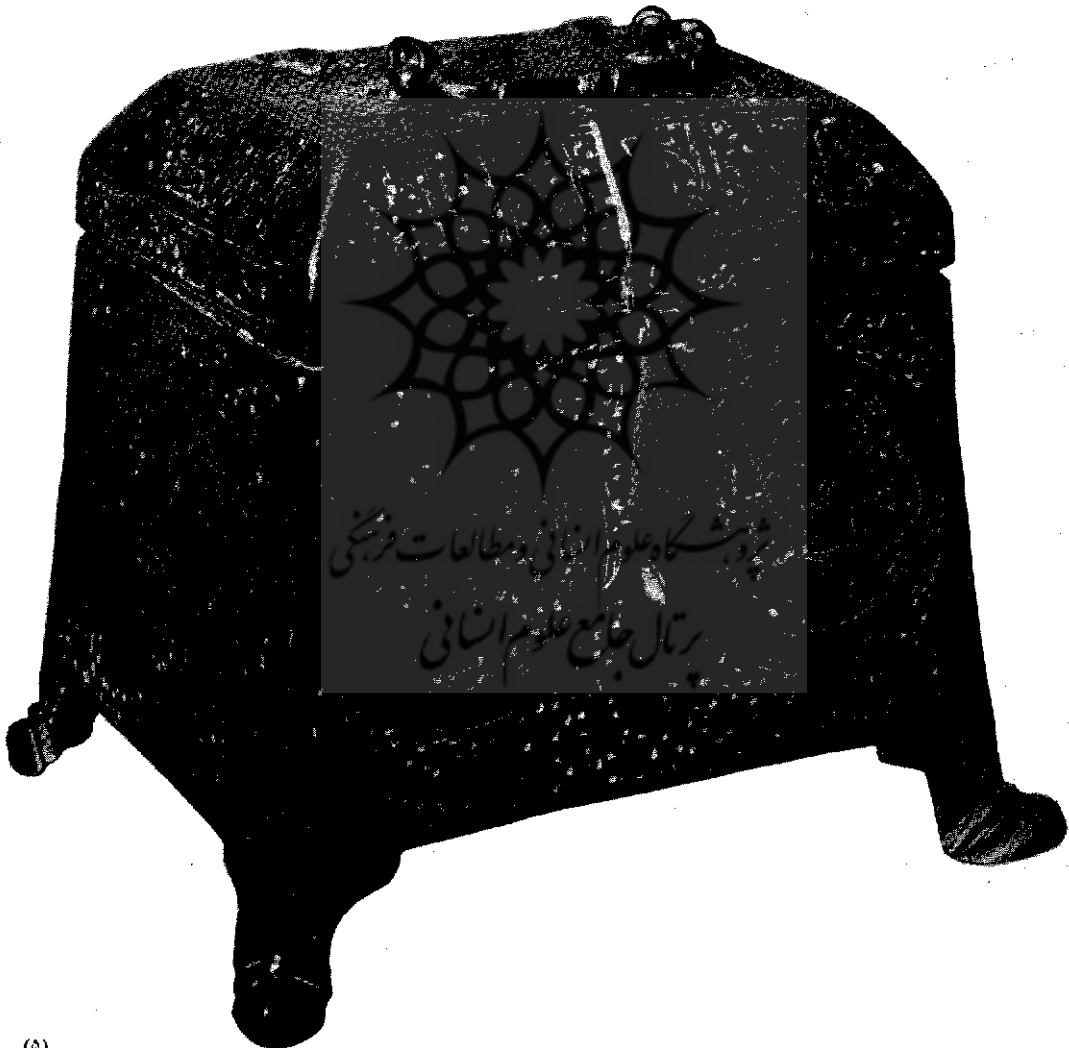
(۴)





نورپردازی مناسب است و قرار دادن صحیح آثار هنری در ویترینها همراه بادیوارنوشته‌هایی که در هر گالری دیده می‌شود، استفاده از موزه را آسان می‌کند. اگر افزوده بر اینها، راهنمای مکتوبی [بروشور] نیز در مورد ادوار تاریخی و ارزش هنری هر یک از آثار به نمایش گذاشته‌میشد اطلاعاتی در اختیار بازدیدکنندگان گذاشته می‌شد می‌توانست بر سودمندی بازدید از این موزه بیافزاید.

و دیگر هنرها شاهکارهای بسیار برجای مانده است، یکی از زیباترین اشکال هنری در این دوران مینیاتور است که طی دو قرن بعد از آن در زمره عالیترین شاهکارهای هنری جهان قرار گرفت. برای نمونه به تابلوی «بدارآویختن مانی» متعلق به قرن هشتم هجری در موزه رضا عباسی اشاره می‌کنیم. (عکس شماره ۶) در مراجعت از موزه رضا عباسی، خاطره دلپذیری که از تماشای این مجموعه‌های گرانبه‌تر برجامی ماند شوق بازگشت به موزه را برمی‌انگیزد.



(۵)



بودم در آن روز  
 کلیدی به دست  
 آنکه هر که در دنیا  
 بدست او دستگیر  
 شود

از آن پیش که امید هیچ کاری  
 بود بر تن عجب بهبودی پاری

## موزه هنرهای معاصر

عنوان «گالری» یا «نگارخانه» بر آنچه «موزه» هنرهای معاصر» نامیده می‌شود به نظر زینده‌تر می‌آید. این موزه که در گذشته با به نمایش گذاشتن مجموعه‌های دائمی از آنچه در جهان «هنر» می‌گذرد شمایی از حال و هوای هنر معاصر را می‌داد، با کنار گذاشتن آنها و عرضه نمایشگاه‌های موقت در زمینه‌های مختلف عملکرد خود را به عنوان موزه از دست داده است.

با اینحال نمی‌توان گفت نقشی را که اکنون به عهده گرفته است کم اهمیت‌تر از نقش گذشته موزه است.

موزه هنرهای معاصر که یکی از معدود مراکز فعال هنری در سطح کشور است در چهار سال گذشته، توانسته است کوشش بجائی در راه نمایش و ارائه تجربیات هنری موجود فارغ از سود و زیان مادی آن بنماید و تالارهای این موزه علاوه بر آن که توانسته است نگاه نقاشی‌ها، طراحی‌ها، پوسترها، عکس‌هایی برخاسته از انقلاب اسلامی ایران را معرفی کند، در کنار به نمایش گذاشتن آثار هنرمندان نامی این مرز و بوم، تجربه‌های هنرمندان گمنام را نیز به معرض دید تماشاگران آورده است.

در فصل گذشته نیز موزه هنرهای معاصر نمایشگاه‌های موقت بسیاری از آثار هنرمندان مختلف داشته است.

نمایشگاه مقاومت فلسطین که از نقاشی‌ها، طرح‌ها و گراورهای هنرمندان فلسطینی ساکن کشورهای مختلف عرب تشکیل شده بود از جمله نمایشگاه‌هایی بود که برای دومین بار در ۲ سال گذشته به علت استقبال نسبتاً خوب تماشاگران در گالری ورودی موزه برپا شد.

این آثار جلگلی بیان هنری سالها مبارزه و مقاومت ملت فلسطین است رنگهای زنده و گرم مشرق‌زمین، صحنه‌های زندگی مردم، تلاش و مبارزه، چهره کودکانی که جز جنگ و مبارزه فرصت آنکه تجربه‌ای دیگر در زندگی داشته باشند را پیدا نکرده‌اند، مایه اصلی اکثر آثار این مجموعه هستند.

کلیه آثار اعم از رئالیستی یا آبستره [انتزاعی] در حد نیاز گویای منظور هنرمند هستند به نحوی که گاه زیر نویس‌هایی که در پایین هر تابلو برای روشن‌تر ساختن موضوع گذاشته شده‌اند، غیر ضروری به نظر می‌رسند.

با ورود به گالری شماره ۲ که آثاری از استاد عباس کاتوزیان در آن به نمایش گذاشته شده در وهله اول تصور می‌کنیم که در نمایشگاهی از کپی‌های نقاشی قرن نوزدهم فرانسه قرار گرفته‌ایم. پرتو‌ها و طبیعت‌های بیجان که با دقت و تب‌بهر بسیار کشیده شده‌اند، نشان‌دهنده تکنیک قوی و استادی عباس کاتوزیان در بوجود آوردن فرم‌های رئالیستی است. (عکس شماره ۷) ولی بیننده با دیدن این تکنیک قوی و موضوعی که صاحب اثر انتخاب کرده است بیش از هر موقع به این نتیجه می‌رسد که تنها تکنیک برای خلق هنر کافی نیست و تشخیص هنرمند برای انتخاب موضوع و چگونگی رویارو شدن با موضوع مورد علاقه‌اش و هدف و نتیجه مورد نظر تا حد زیادی می‌تواند در اثری که به وجود می‌آید و احساسی که در بیننده می‌گذارد تعیین‌کننده باشد.

کمی جلوتر در انتهای همین گالری، ردیفی دیگر از کارهای استاد کاتوزیان به نمایش گذاشته شده که اگر امضای نقاش را از زیر آن برداریم وجه اشتراک دیگری بین آنان و آن همه طبیعت بیجان و پرتو‌ها نمی‌بینیم (عکس شماره ۸) تاریخ آثار نشان می‌دهد که هر دو تکنیک در سالهای متمادی کنار یکدیگر ادامه داشته و تعجب در اینجا است که چطور استاد با این همه تجربه و سابقه کار، محتوای هنر، هماهنگی و پختگی رنگها و ارجحیت فرم و تکنیک برایش مطرح نبوده است.

شاید درک نادرست از سبک‌های رئالیزم، ناتو‌الیزم و مدرن در هنر موجب ایجاد این تأثیر در کارهای وی شده باشد.

نقطه مقابل این نمایشگاه، نقاشی‌های پررنگ حبیب‌پور است که در گالری دیگری از موزه هنرهای معاصر به نمایش گذاشته شده است. اگرچه در

غیرحرفه‌ای ماندن و شناخت ناقص او از اصول هنر نقاشی است.

با وجود اینکه در کارهای نقاشی، تمایلی به مردم پسند بودن که بامردمی بودن متفاوت است به چشم می‌خورد ولی در برخی از کارهایش حرکتی در جهت ایجاد هنر اصیل و بامحتوی و درعین حال دارای ظرافت و احساس دیده می‌شود. تابلوی «ملاقات در زندان» (عکس شماره ۱۰) از آن جمله است که تصویر یک زن و دختر کوچک را از پشت پنجره ملاقات کنندگان نشان می‌دهد و تماشاگر خود را در جای زندانی می‌یابد. شاید اگر نقاش به جای پرداختن به تابلوهایی که بیشتر به آفیش‌های تبلیغاتی می‌ماند، این خط را در کارهایش دنبال می‌کرد ضمن دستیابی به یک شیوه بیان عالی هنری، ارتباطی نزدیکتر با احساس بیننده نیز می‌توانست برقرار سازد.

هنر، مقایسه‌جایز نیست و هر اثری جایگاهی ویژه خود برای فهم و بررسی و تضاد دارد ولی همزمان بودن و درعین حال متفاوت بودن این دو نمایشگاه بیننده را به مقایسه آثار این دو نقاش برمی‌انگیزد.

اگر در آثار کاتوزیان دوسبک کاملاً مشخص به چشم می‌خورد در این گالری تعداد سبکهای ارائه شده برابر تعداد تابلوهای موجود است. اگر به معرفی موزه از حبیب‌پور بتوان اعتماد کرد. وی نقاشی را در کارخانه و با تجربه شخصی آموخته و بدون شک سعی کرده است ارتباط نزدیک خود با مردم را به معرض دید بگذارد. ولی در مورد تکنیک نقاشی و استفاده از این شیوه هنری به عنوان بیان احساسات هنرمند، جای بحث بسیاری را باز گذاشته است. (عکس شماره ۹)

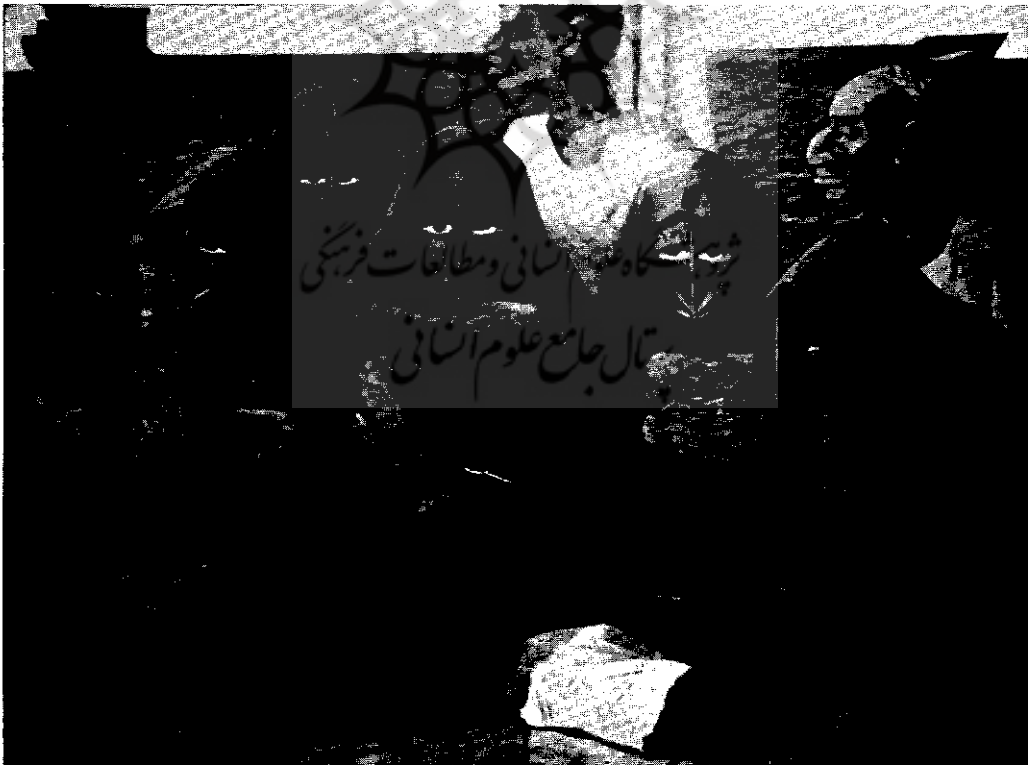
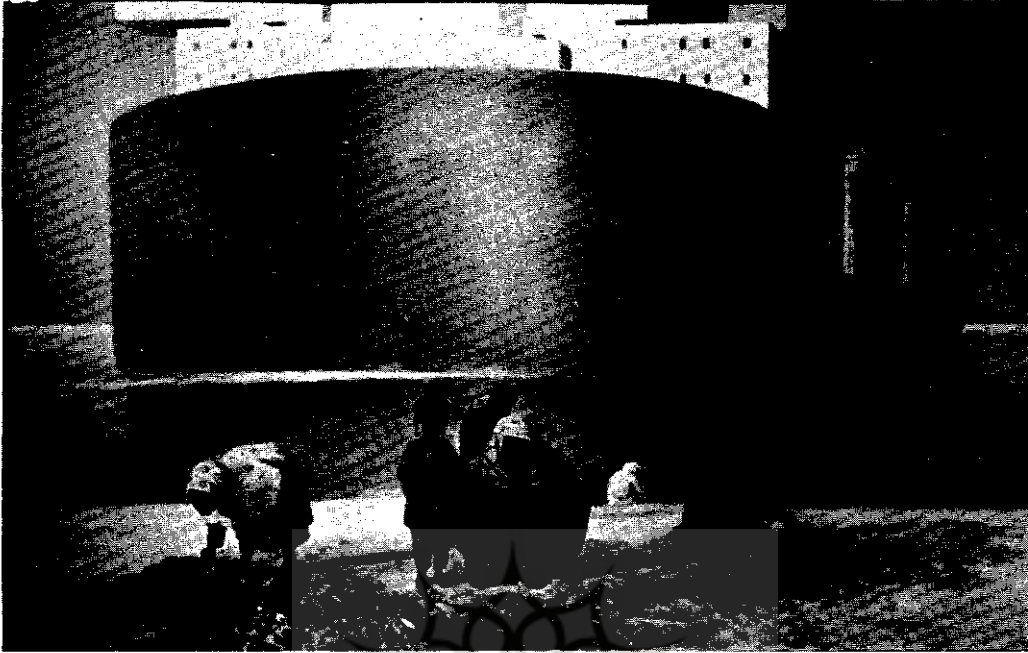
ناهماهنگی رنگها، فرمها، کمپوزسیون [ترکیب بندی] و خامی تکنیک به طور کلی نمایانگر



(۷)











## موزه آبگینه و سفالینه

نمای چشم‌نواز موزه آبگینه ازدور نیز هرعابری رابه دیدن خود دعوت می‌کند. حیاط مصفا و دل‌باز باحوضچه‌ای که درخت بیدی برآن سایه افکنده و سپس چند پله کوچک مارا به درون این بنا که بیش از ۵۰ نوع آجر به شیوه دوران سلجوقی درآن به کاررفته و نشان دهنده ذوق و هنر استادکاران ایرانی درآجرکاری است، می‌برد.

منبت کاریهای درها و پلکان، آئینه‌ها و شیشه‌های رنگین بالای درها و گچ بریهای نفیس آن که طرحها

و نقش‌هایش یادآور هنر باروک و نئوکلاسیک اروپااست چنان توجه را برمی‌انگیزد که گاه مجموعه‌های به نمایش گذاشته شده را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

ساختمان این موزه که در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۹ همزمان با آغاز سومین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران گشایش یافته از آثار باارزش معماری ایران در اواخر قرن سیزدهم هجری شمسی است و دو عمارت اصلی بیرونی و اندرونی را شامل می‌شود، بنای بیرونی به موزه اختصاص یافته و بنای اندرونی محل فرهنگسرای نوبهار که شامل کتابخانه هنری، کتابخانه کودکان و سالنهای



نمایشگاه است.

در تالار مختلف موزه آبگینه و سفالینه های ایران و همچنین درسرسرای بالا و پائین موزه، آثار شیشه ای و سفالین از دورانهای مختلف تاریخی به نمایش گذاشته شده است.

هنر شیشه گری و سفالگری سابقه ای پنج هزار ساله دارد. سومریان در دو هزار سال پیش از میلاد مسیح موفق به کشف شیشه شدند. قدیمیترین شیشه در ایران متعلق به هزاره دوم پیش از میلاد است. در تالار مینای موزه آبگینه شیشه هایی از هزاره دوم تا اول پیش از میلاد که شامل عطردانها، النگوها، تندیس ها و کاسه ها و تنگ های متعدد است به نمایش گذاشته شده است. نقش حیوانات از جمله بز و گوزن و همچنین نقوش هندسی، مشخصه آثار سفالین این تالار است (عکس شماره ۱۱، کوزه سفالین با نقش بز از قره داغ اردبیل، هزار پیش از میلاد).

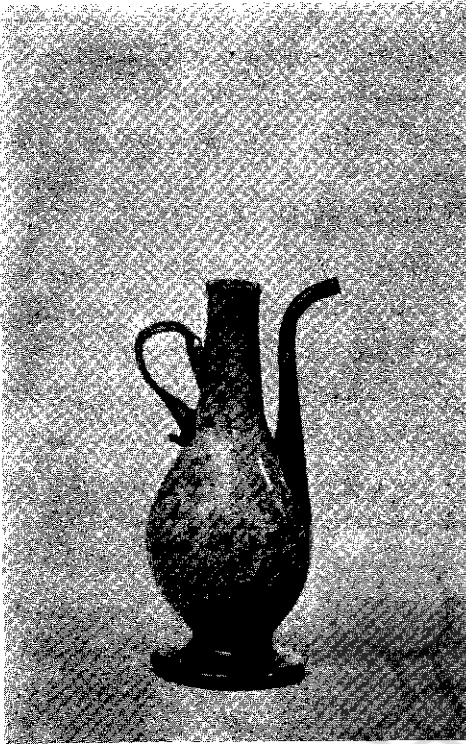
در دوره هخامنشی و ساسانی، شیشه گران موفق به خلق آثار هنری نفیسی شدند که نمونه هایی از آن در تالار بلور این موزه به نمایش گذاشته شده است. هنرمندان ساسانی در تراش دادن شیشه به مهارت شگفتی در این دوران رسیده بودند و بهترین نمونه های کار این هنرمندان، جامهایی با دوایر مقعر کوچک تراش است که به دنومونه از آن در تالار بلور موزه آبگینه برمی خوریم با ظهور اسلام در ایران و گسترش و شکوفایی مراکز فنی و هنری در شهرهای مختلف از جمله کارگاههای شهرهای نیشابور، ری و گرگان، هنرمندان شیشه گر موفق به تولید شیشه های ظریف و زیبا شدند. ضمن اینکه برخی از اختراعات هنر شیشه گری دوره ساسانی از جمله تراش و کنده کاری روی شیشه، تا قرن پنجم هجری ادامه یافت.

در کنار شیشه های تراشدار و کنده کاری شده، شیشه های دمیده در قالب نیز در دوران اسلامی به اوج شکوفایی خود رسید. کثرت آثار بدست آمده از دوران اسلامی نشاندهنده توسعه کارگاههای شیشه گری و بالا بودن سطح تولید در این دوره ها است. شکلها و قالبهای متنوع نیز نشانی بر این مدعا و مبین ذوق و سلیقه و حسن

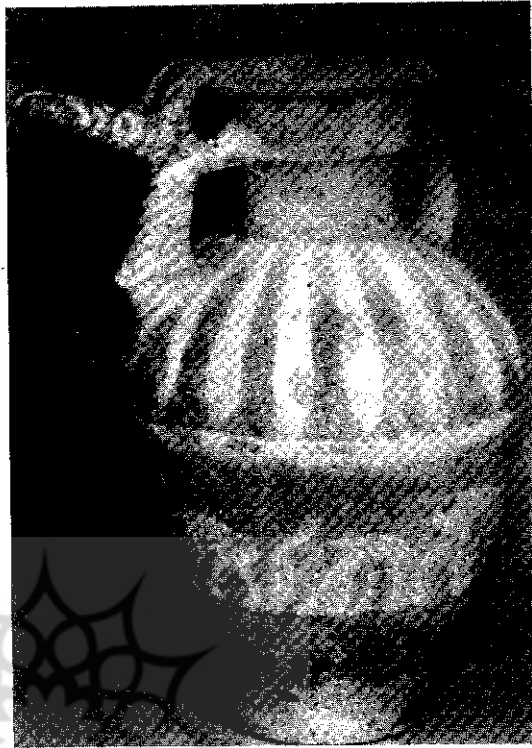
زیبایی شناسی هنرمندان شیشه گرد در دوران اسلامی است. «تالار صدف»، «تالار زرین» و «تالار لاجورد» موزه آبگینه هر یک مجموعه نفیس از آثار این هنرمندان را در خود جاداده است. در تالار صدف، علاوه بر آبگینه ها، نمونه هایی از سفالینه های اولیه اسلامی نیز عرضه شده که منسوب به سده های سوم تا پنجم هجری بوده است و بیشتر در مراکز مهم سفالگری آنروز، چون نیشابور و ری ساخته شده اند. این سفالینه های لعابدار از پیشرفت دانش فنی سفالگری نسبت به سده های پیش حکایت می کند، سطح این ظروف پوشیده از لعاب زیبایی خاصی دارد بیشتر این ظروف باخط تزئین



(۱۳)



(۱۱)



(۱۱)

—نیشابور— سده ۵ هجری)

درتالار لاجورد موزه آبگینه، ظروف بسیار زیبایی لعاب فیروزه‌ای که اکثراً دارای نقوش برجسته هستند، قرار گرفته. اینجا نیز خط تزئینی نقش اصلی ظروف را تشکیل می‌دهد.

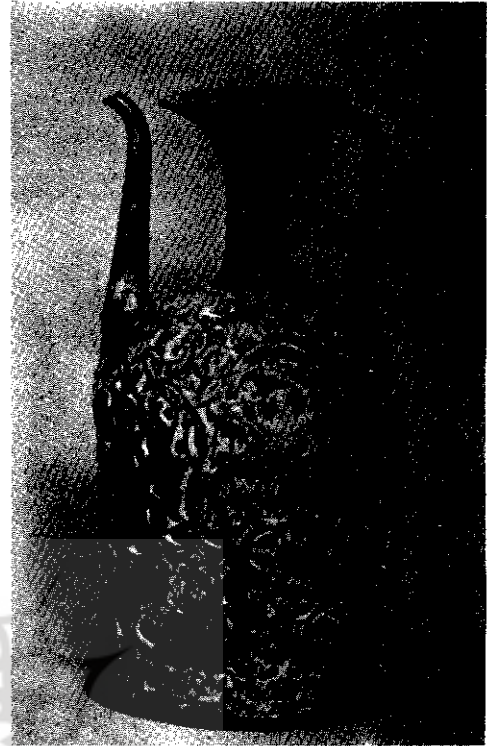
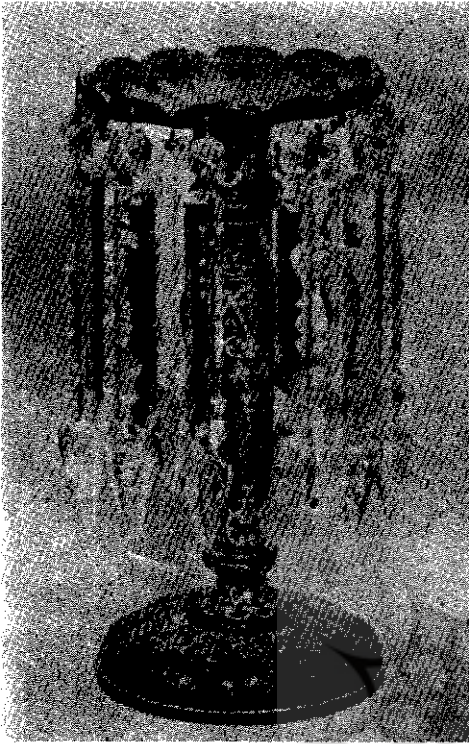
دوتنگ دو پوست مشبک این تالار در گرگان ساخته شده و به سده ششم هجری تعلق دارند، ماکت یک ساختمان که احتمالاً از هدایای ازدواج باید باشد، در اینجا جلب نظر می‌کند.

در این تالار چند نمونه از ظروف لاجوردی دوره ایلخانیان مربوط به اواخر سده هفتم هجری عرضه شده است که زمینه تزئینی آنها نیلی است (ابریق سفالین در پوست —عکس شماره ۱۵— مشبک با نقوش گل و برگ و سه ردیف زنها نشسته— گرگان— سده ۷ هجری)

در زمان صفویه، به علت گسترش روابط با اروپا و توجه به هنرشیشه‌گری غرب که بعد از رنسانس رو به

شده‌اند و خطوط تزئینی روی این سفالینه‌ها عموماً دعای خیر و درخواست رحمت خداوند برای صاحب ظرف و یا ضرب‌المثل‌ها را شامل می‌شود. تزئینات دیگر این ظروف شامل نقش پرندگان، انسان و نقوش هندسی است. (عکس شماره ۱۲، کاسه سفالین مزین به خط کوفی—نیشابور— سده ۴ هجری). از قرون ششم و هفتم هجری ساخت تنگ‌ها و عطردانه‌های دمیده در قالب، رواج پیدا می‌کند. در این دوره خط یکی از تزئینات عمده روی ظروف شیشه‌ای است (عکس شماره ۱۳؛ تنگ شیشه‌ای مینایی — با یک تزئین خط— سده ۶ هجری).

درتالار زرین نیز نمونه‌هایی از ظروف زرین فام مربوط به قزون ششم و هفتم هجری به چشم می‌خورد. قاب‌های بزرگ زرین فام با نقوش انسان یا حیوان و خطوط تزئینی در کنار تنگ‌های بسیار نفیس خودنمایی می‌کنند (عکس شماره ۱۴، کاسه سفالین با نقوش اسب و طوطی و مزین به خط در پشت ظرف



(۱۵)

وتدریجاً به انهدام کامل این فن و هنر دیرینه ایرانی منجر شد.

در دوسر سرای بالا و پائین موزه آنگینه، بلورهای ساخت فرانسه و بوهم و مجموعه‌هایی از ظروف کریستال ساده، تراش دار، او پالین و نقاشی شده به نمایش گذاشته شده است. در طبقه زیرین این موزه نیز، مجموعه‌ای از سفالینه‌هایی که در حال حاضر در کارگاه‌های مختلف کوچک و بزرگ ساخته می‌شوند، گذاشته شده است که بیش از هر چیز نمایش دهنده تنزل هنر پیرامون سفالینه‌سازی مادرمقایسه با آنچه در گذشته داشته ایم است.

ترقی و تکامل نهاده بود، با کمک شیشه گران ونیزی، کارگاه‌های شیشه گری در شهرهای مختلف ایران از جمله اصفهان، شیراز و کاشان برپا شد. تالار لاجورد موزه آنگینه به آثاری از این دوران اختصاص یافته است (گلابپاش شیشه‌ای با نقاشی آب‌طلاح عکس شماره ۱۶ اصفهان سده ده هجری).

شیشه‌های دوره صفویه با وجود زیبایی شکل و رنگ، از نظر سیر تکاملی با شیشه گری در قرون پنجم و ششم هجری که اوج هنر شیشه گری ایران است، بسیار فاصله دارد. در این دوره به علت ورود شیشه‌ها و بلورهای ساخت فرانسه و ایتالیا و سایر کشورهای اروپایی، کارگاه‌های داخلی تحرک و کارایی هنری و فنی لازم را از دست دادند. این وضع تا دوره قاجاریه ادامه یافت و در این دوره اسفناک تر شد. بلورهای اروپایی در این دوره به صورت ساده وارد ایران شدند و در اینجا نقاشان ایرانی آنها را منقوش نمودند و روانه بازار کردند. این وضعیت در دوره پهلوی به صورت حادثی ادامه یافت